

## مطالعهٔ بینارشته‌ای ویژگی‌های گروتسکی در آثار منتخب بهمن محمص و روی اندرسون با تکیه بر نظریهٔ میخائیل باختین

ریحانه آقابرانی<sup>۱</sup>، سید پرهام مهاجرزاده<sup>۲</sup>، یاسمن فرهنگ‌پور<sup>۳</sup>

### چکیده

گروتسک نوعی بیان بصری است که به هنرمند اجازه می‌دهد تا با خلق هویت بصری عجیب، غیرعادی و غیرواقعی، مفاهیم مورد نظر خود را به صورتی متفاوت در هنر بیان کند. تعریف مؤلفه‌های خاص برای گروتسک در هنر یکی از مباحث مورد توجه نظریه‌پردازان بوده و از زوایای مختلفی توسط آن‌ها بررسی شده است. پژوهش پیش‌رو، با هدف تطبیق تابلوهای منتخبی از بهمن محمص (۱۳۸۹-۱۳۰۹) و پلان‌هایی از فیلم سینمایی «آوازهایی از طبقهٔ دوم» اثر روی اندرسون (۲۰۰۰ م) با تکیه بر نظریهٔ گروتسکی میخائیل باختین (۱۹۷۵-۱۸۹۵ م) و استفاده از رویکرد میان‌رشته‌ای، درصدد یافتن اشتراکات آن‌ها با توجه به ویژگی‌های مد نظر این فیلسوف روس است. روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و جمع‌آوری داده‌ها به شیوهٔ کتابخانه‌ای انجام گرفته است. نتیجهٔ این پژوهش حاکی از آن است که با وجود خلاء پژوهشی دربارهٔ پدیدهٔ گروتسک در هنرهای بصری، هر دو هنرمند با توجه به ریشه‌های فرهنگی متفاوت، از مؤلفه‌های معرفی‌شده توسط باختین به‌خوبی استفاده کرده‌اند و در این مورد از جنبه‌های مشترک برخوردارند.

**واژه‌های کلیدی:** گروتسک، میخائیل باختین، بهمن محمص، روی اندرسون، آوازهایی از طبقهٔ دوم، بینارشته‌ای

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه پژوهش هنر، موسسه آموزش عالی معماری و هنر پارس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
reyhaneh.aghabarati1998@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه پژوهش هنر، موسسه آموزش عالی معماری و هنر پارس، تهران، ایران

parham2000mohajerzadeh@gmail.com

yasaman.farhangpour@gmail.com

۳. دانش‌آموخته دکتری، گروه تاریخ هنر، دانشگاه فلورانس، فلورانس، ایتالیا

ارجاع به این مقاله:  
ریحانه آقابرانی، سید پرهام مهاجرزاده، یاسمن فرهنگ‌پور. «مطالعه تطبیقی ویژگی‌های گروتسکی در آثار منتخب بهمن محمص و روی اندرسون با تکیه بر نظریهٔ میخائیل باختین». مطالعات بین‌رشته‌ای ادبیات، هنر و علوم انسانی، ۳، ۱۴۰۲، صص ۲۳۹-۲۶۰. doi: 10.22077/islsh.2023.6154.1237



Copyright: © 2023 by the authors. Licensee Journal of *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts & Humanities*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

## مقدمه

گروتسک به‌عنوان نوعی بیان بصری عجیب و غیرعادی که ریشه آن به رم باستان بازمی‌گردد، در قالب پیکر انسان همواره مورد توجه هنرمندان بسیاری بوده است. بدن گروتسک، بدن سالم و قواعدش را به چالش می‌کشد. این شیوه بیانی، منطبق با هنجارهای معمول زیبایی‌شناسی نیست و از آن‌ها فاصله می‌گیرد؛ به عبارتی دقیق‌تر در ترسیم پیکره‌های گروتسکی، قواعد معمول تناسبات کنار زده می‌شود و فرم دیگری از آن نمودار می‌شود (امامی و کامرانی ۱۳۹۸: ۲۲). این پدیده که پس از دوران رنسانس، به شکل هنری جهان‌شمولی تبدیل شد، توجه نظریه‌پردازان زیادی را به خود جلب کرده است. میخائیل باختین<sup>۱</sup>، فیلسوف روس، یکی از آن‌هاست. او مؤلفه‌های گروتسکی را به گروه‌های مختلفی تقسیم کرده است که شامل اندام‌های گروتسک، تم‌های دوگانه، تنزل و کارناوال می‌شوند (طاهری ۱۳۸۹: ۴۸-۴۹). با توجه به زندگی‌نامه و آثار اندرسون و محصص می‌توان دید که این دو هنرمند در حیات هنری خود با پدیده گروتسک در ارتباط بوده‌اند و مؤلفه‌های آن را در آثار خود به کار برده‌اند. در باب بررسی و تحلیل ویژگی‌های گروتسکی در آثار منتخب بهمن محصص و فیلم‌های سینمایی روی اندرسون، مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی با تکیه بر رویکرد میخائیل باختین به تحریر درآمده است که هرکدام از آن‌ها به نقد و بررسی یکی از این هنرمندان در قالب مطالعه موردی پرداخته‌اند. پژوهش پیش‌رو با هدف پاسخگویی به این سؤال که ویژگی‌های گروتسکی باختین چگونه در آثار منتخب بهمن محصص و اثر مذکور روی اندرسون نمایان شده‌اند و همچنین یافتن نقاط مشترک آن‌ها، با به‌کارگیری مطالعات بینارشته‌ای هنر و فلسفه، به دنبال تطبیق این نظریه با آثار مد نظر رفته است. این پژوهش به دنبال اثبات بین‌المللی بودن این نظریه و با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و استناد به منابع کتابخانه‌ای، درصدد پرکردن خلأ پژوهشی مبنی بر امکان تطبیق آثار هنرمندانی با بیان بصری متفاوت از ملیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف با استفاده از یک نظریه مشترک است.

## هدف پژوهش

این پژوهش با هدف بررسی آثار منتخب محصص و فیلم *آواهایی از طبقه دوم*<sup>۲</sup>، اثر روی اندرسون<sup>۳</sup> بر پایه آرای باختین، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی پلان‌های مختلفی از این فیلم سینمایی و برخی از نقاشی‌های بهمن محصص

1. Mikhail Bakhtin
2. Songs from a second floor
3. Roy Andersson

پرداخته است. تحقیق پیش‌رو با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای و به‌کارگیری مطالعات بینارشته‌ای هنر و فلسفه، با استناد به مفاهیمی همچون گروتسک و ویژگی‌های آن، به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته؛ از این‌رو در بدنه نمونه‌هایی از تابلوهای محمص و پلان‌هایی از فیلم *آوازیایی از طبقه دوم* اندرسون به‌عنوان ملاک بررسی قرار گرفته است که در آن‌ها عمده‌ترین و بارزترین ویژگی‌های گروتسکی از منظر باختین به چشم می‌خورد و خوانش آن‌ها بر مبنای این نظریه امکان‌پذیر است.

### اهمیت و محدوده پژوهش

محدوده اصلی این پژوهش مربوط به قرن بیست و یکم میلادی است که محمص و اندرسون در آن آثار هنریشان را خلق کرده‌اند. نظریه استفاده‌شده در این پژوهش مربوط به قرن بیستم میلادی است. با گسترش مرزهای دانش، نیاز به رویکردهای میان‌رشته‌ای در پژوهش‌ها احساس می‌شود. پیوند هنر و علوم انسانی، از رویکردهای میان‌رشته‌ای است که به پژوهشگران این اجازه را می‌دهد تا آثار هنری را از دیدگاه تازه‌ای بنگرند و به نتایج نوینی دست یابند. اهمیت پژوهش پیش‌رو در آن است که به بررسی ویژگی‌های گروتسکی میخائیل باختین در آثار بهمن محمص و روی اندرسون پرداخته و رویکرد این دو هنرمند را با توجه به ریشه‌های فرهنگی متفاوت تطبیق داده است. از آنجاکه پژوهش‌های پیشین، آثار این دو هنرمند را به‌صورت جداگانه بررسی کرده‌اند، تطبیق ویژگی‌های گروتسکی آثارشان، نه‌تنها رویکردی میان‌رشته‌ای است که سبب به‌دست‌آوردن نتایج جدیدی می‌شود؛ بلکه امکان شناسایی اشتراکات میان این ویژگی‌ها را در آثار محمص و اندرسون فراهم می‌کند.

### پیشینه انتقادی تحقیق

پژوهش در باب شناسایی وجه‌های گروتسک و حضور آن در آثار هنری و ادبی از موضوعات میان‌رشته‌ای است که مورد استقبال پژوهشگران قرار گرفته است. شیداکراتی (۱۴۰۱) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی وجوه گروتسک در نمایشنامه‌های غلامحسین ساعدی»، به بیان این موضوع می‌پردازد که ساعدی به‌عنوان نویسنده‌ای متعهد به تحولات سیاسی و اجتماعی، وجه‌های متفاوت گروتسک را در پیوند با نوعی زبان تمثیلی، در جهت مطرح‌کردن دغدغه‌های روشن‌فکرانه‌اش به کار گرفته است. پایان‌نامه زارعان (۱۴۰۱) با عنوان «تحلیل مؤلفه‌های گروتسک در رمان‌های آخرش می‌آن سراغم، تصویر دختری در آخرین لحظه و خفاش شب سیامک گلشیری» نشان می‌دهد که گلشیری به‌خوبی به تبیین هر یک از مفاهیم

گروتسک در آثار خود پرداخته است و خواننده با واقعیت‌های عجیب و وحشیانه در حال وقوع در جامعه روبه‌رو می‌شود و او را با سردرگمی و آشفتگی ذهنی درگیر می‌کند. پایان‌نامه نیلفروشان (۱۴۰۰) با عنوان «خوانش وجوه بصری هنر گروتسک در آثار هنرمندان معاصر براساس آرای میخائیل باختین (نمونه موردی جنی ساویل، نیکول آیزمن و پل مک‌کارتی)»، با بررسی آثار این سه هنرمند نشان می‌دهد که آن‌ها با درهم‌شکستن روابط سلسله‌مراتبی و تقدس‌زدایی از امر آرمانی، اعتراض خود را به بی‌عدالتی و نابرابری در جامعه ابراز می‌کنند. همچنین مقالات و پژوهش‌های بسیاری درباره حضور مؤلفه‌های گروتسکی در آثار روی اندرسون و بهمن محمصص - به‌عنوان هنرمندان فعال در این حوزه - پدید آمده است. پایان‌نامه دلخواه (۱۳۹۸) با عنوان «واکاوی عناصر فرمی و محتوایی گروتسک در سینمای روی اندرسون» اذعان می‌دارد تأثیر گروتسک در سینمای روی اندرسون نافذتر کردن بی‌رحمی و تراژدی نهفته در بی‌تفاوتی و منفعت‌طلبی جوامع مدرن است؛ در واقع اندرسون به مخاطب خود نشان می‌دهد که در پس زندگی رومزه و معمولی در جهان امروز، چه لایه‌های متکثر و گوناگونی از فجایع بشری قرار دارد. پایان‌نامه سلیمانی (۱۳۹۶) با عنوان «روی اندرسون و سینمای از خودبیگانگی: با نگاه بر سه‌گانه زندگی ۱. شما زندگان<sup>۱</sup> ۲. آوازهایی از طبقه دوم ۳. کبوتری نشسته بر شاخه درخت در اندیشه هستی<sup>۲</sup>» بیان می‌کند که اندرسون معتقد است در جامعه معاصر، معضلی تحت عنوان «ترس از جدیت» وجود دارد و عامل آن، نبودن تفکر انتقادی و آگاهی اجتماعی در جامعه مدرن و عصر رسانه‌هاست. بخشی‌مقدم (۱۳۹۳) در پایان‌نامه خود با عنوان «کم‌دی سیاه در سینما با تکیه بر فیلم‌های روی اندرسون»، تأثیراتی نظیر رخدادهای اجتماعی - سیاسی همچون جنگ جهانی اول و دوم را بر وضعیت رفاه اجتماعی در قرن بیست‌ویکم نشان می‌دهد. پایان‌نامه پیروی (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی تطبیقی آثار محمد سیاه‌قلم و بهمن محمصص»، به نقص‌های انسان، فرم اندام او، پیکره‌های کرگردن‌وار، بافت ضخیم، ماهیچه‌های روی هم‌قرار گرفته و از هم‌پاشیده و گاه درهم‌فرورفته آثار محمصص اشاره دارد. پایان‌نامه طاهری (۱۳۸۹) با عنوان «گروتسک در آثار بهمن محمصص از دیدگاه میخائیل باختین» نشان می‌دهد موضوع اغلب آثار محمصص عبارت از انسان، پرنده، اسطوره، ماهی، مدرنیسم و وقایع تاریخی، طبیعت بی‌جان بدون ماهی و اشیای بی‌جان است. نامجو و مظفرنژاد (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «رویکرد گروتسکی (عجایب‌نگارانه) در آثار نقاشان معاصر ایران؛ مطالعه موردی: آثار بهمن محمصص، پروانه اعتمادی و احمد امین‌نظر» اذعان

1. You, the Leaving
2. A Pigeon Sat on a Branch Reflecting on Existence

می‌دارند که محمص به دنبال تصویر و تجسم انسان آسیب‌دیده، تغییر شکل یافته، سوخته و گندیده‌ای بوده که در انتظار آخرالزمان نشسته است و در وفای به عهدی عمیق و همیشگی می‌کوشد. مقاله امامی و کامرانی (۱۳۹۸) با عنوان «بررسی ویژگی‌های بدن گروتسک در چهار نقاش معاصر ایران» بیان می‌کند که بدن گروتسک در آثار محمص دلالت بر تضاد، تعارض، برانگیختن احساسات متضاد، تخریب و حتی مسخ دارد. اکثر پژوهش‌های انجام‌شده، به بررسی یکی از این هنرمندان پرداخته‌اند و گروتسک را در آثار او بررسی کرده‌اند. پژوهش حاضر با نگاهی تطبیقی به حضور این عنصر در آثار دو هنرمند مورد نظر؛ یعنی بهمن محمص و روی اندرسون پرداخته و در خلال آن، نحوه شکل‌گیری گروتسک و معنی آن را در هنر از منظر تاریخی بررسی کرده است.

### چهارچوب نظری و روش تحقیق

در گذشته، گروتسک را نوعی ناهماهنگی افسارگسیخته می‌دانستند که برخی از اشکال آن به بیان درخور پیچیدگی هستی می‌انجامید؛ به بیانی دیگر، ویژگی اصلی گروتسک، کشمکش، تغییر یا سردرگمی بنیادین است (تامسن ۱۳۹۸: ۱۴). در آثار هنری گروتسکی، بدن‌ها و فرم‌ها برخلاف قاعده معمول به تصویر درآمده و زاویه جدیدی از هنر را نمایان می‌کنند. میخائیل باختین یکی از نظریه‌پردازان این مقوله است که تصویر گروتسک و عملکرد آن را وجود زندگی به‌عنوان یک کل واحد می‌داند. او بر ویژگی‌های گروتسک تأکید دارد که شامل مفهوم تنزل، کارناوال، تم‌های دوگانه و اندام‌های گروتسکی هستند. از منظر او به‌کارگیری این مؤلفه‌ها نشان‌دهنده سقوط از حالت اسطوره‌ای به حالتی زمینی، جشن‌رهایی از حقیقت غالب و سلطه‌جویانه، وجود مفاهیمی متضاد مانند خنده و ترس در یک تصویر و ترسیم اندامی خارج از فرم عادی و معمولی است (امامی و دیگران ۱۳۹۹: ۴۹-۵۰).

### پرسش‌های تحقیق

مهم‌ترین پرسش پژوهش حاضر این است که محمص و اندرسون با توجه به اینکه هنرمندانی از ملیت‌ها و ریشه‌های فرهنگی مختلف هستند و بیان بصیرشان کاملاً متفاوت است، در کدام‌یک از مؤلفه‌های گروتسکی باختین دارای بیشترین شباهت هستند؟ این پژوهش همچنین به پرسش‌هایی از قبیل اینکه مؤلفه‌های گروتسکی تعریف‌شده توسط باختین کدام‌اند و چگونه در آثار هنرمندان مذکور نمود پیدا کرده‌اند، پاسخ داده است.

## تعریف گروتسک

گروتسک به‌عنوان صفتی کلی در زبان انگلیسی، برای هر چیز عجیب، فانتزی، زشت، نامتجانس، ناجور یا مشمئزکننده و بیشتر برای توصیف اشکال و فرم‌های غیرعادی استفاده می‌شود (طاهری ۱۳۸۹: ۳۵). واژه گروتسک و رویکرد بصری آن با کشف برخی تصاویر غیرعادی در راهروهای زیرزمینی استخر تیتوس<sup>۱</sup>، کاخ‌های پادشاهی پالاتینو<sup>۲</sup> و خرابه‌های کاخ طلایی نرون<sup>۳</sup> وارد زبان شد. از آنجاکه این تصاویر در دالان‌های دفن‌شده تالارهای قصر و بعدها در دیگر محل‌های باقی‌مانده از رومیان، مانند شهر پمپئی کشف شدند، آن را به‌عنوان دیوارنگاره‌های غارها یا گروتو<sup>۴</sup> می‌شناختند؛ زیرا در تاریکی و در این دنیای زیرزمینی و محیطی مانند غار ایجاد شده بودند (آدامز و یتس ۱۳۹۵: ۲۵). در سال ۱۴۸۰ میلادی و به دنبال افزایش اکتشافات باستانی در محوطه کاخ نرون، استفاده از گروتسک بین هنرمندان محبوبیت زیادی پیدا کرد و تحقیقات پیرامون آن آغاز شد (Acidiani Lu- 1999: 58). گروتسک در هنرهای بصری نوعی تزئین بود که در آن هنرمندان از تصاویر انسانی، گیاهی و حیوانی تغییرشکل‌یافته و غیرمعمول استفاده می‌کردند (تصویر ۱).



تصویر ۱. بخشی از تزئین دیوار کاخ پالاتینو با گروتسک (URL1)

طی قرن پانزدهم میلادی و با توجه به ایدئولوژی مطرح در هنر رنسانس مبنی بر بازگشت به جهان کلاسیک و بازنمایی طرح‌های دوران باستان، استفاده از گروتسک به نوعی افتخار تبدیل شد و هنرمندان زیادی از این نوع اشکال بصری در آثارشان بهره برده‌اند. مقوله گروتسک و معرفه‌های آن تا قرن هجدهم میلادی در زمینه نظریه‌پردازی جای نداشت و به کمک تلاش‌های ولفگانگ کایزر<sup>۵</sup> در زمره موضوعات مهم هنری قرار

1. Titus
2. Palazzo imperiale Palatino
3. Nero
4. Grottoes
5. Wolfgang Kayser

گرفت. او مؤلفه‌هایی برای گروتسک تعریف کرد که عبارت‌اند از: اغراق و زیاده‌روی، کمیک و وحشت‌زا، ناهماهنگی و نابهنجاری که در اثر هنری، غیرطبیعی بودن، آمیزه‌ای از ترس و خنده، تضاد و تعارض و انحراف بارز از چیزهای طبیعی را نشان می‌دهند (تامسن ۱۳۹۸: ۲۹-۲۴). از مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت که گروتسک مفهومی چندبعدی است که از آمیزش مفاهیم مثبت و منفی پدید آمده و به‌طور کلی، دارای روحیه‌ای طنزگونه، کنایه‌آمیز یا حتی بی‌معناست. مفاهیمی همچون زشتی، هولناکی، هیولوارگی، ناخودآگاه، خیال‌گونه، نفرت‌انگیز و انزجار را می‌توان در گروتسک جست‌وجو کرد (نامجو و مظفرنژاد ۱۴۰۰: ۶۵).

### گروتسک در نگاه میخائیل باختین

میخائیل باختین (۱۸۹۵-۱۹۷۵)، فیلسوف روس، متخصص ادبیات و از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان گروتسک قرن بیستم میلادی بود (طاهری ۱۳۸۹: ۲). او تحلیل خود را از گروتسک در قالب عرصه‌های فرهنگی مطرح و در دو دسته اصلی آن‌ها را بررسی کرد: «عرصه رسمی والا که تداعی‌کننده ایدئولوژی ستمگرانه دولتی و عرصه نازل، مردمی و عامه‌پسند است» (امامی و کامرانی ۱۳۹۸: ۲۵). بنا بر روایت این فیلسوف، «بدن گروتسک تجلی جهانی ناتمام و همواره در حال تغییر با ذاتی دوگانه است که در آن مرگ و زندگی در تقابل با هم قرار دارند. منطق هنری گروتسک، هر نوع سطح بسته و غیرقابل نفوذ را رد می‌کند» (Bakhtin 1984: 317). به عقیده باختین، هنر عامیانه گاهی به‌مثابه نوعی مقاومت استراتژیک، توسط توده مردم به کار گرفته می‌شود که معانی و ارزش‌های طبقات فرادست را بی‌اعتبار می‌کند. باختین توضیح می‌دهد که عامه مردم در برابر تصعید و تعالی، با استراتژی فروکاستن، تنزل مقام یا به‌زیرآوردن مانند هزل، مضحکه و ریشخند واکنش نشان می‌دهند.

تردیدی نیست که گروتسک معنای پایدار و ثابتی ندارد؛ اما مفهیمی که در طول زمان تکرار شده است، به شناخت آن کمک می‌کند. عنصر اصلی و پایدارترین مشخصه گروتسک در طی زمان، ناهماهنگی است؛ چه مصداق آن تضاد و تعارض و آمیزه امور ناهمگون باشد و چه امتزاج اجزای نامتجانس. آنچه در گروتسک به‌صورت نهانی وجود دارد، عناصر غیرمتجانس و حتی ترساننده مانند اغتشاشاتی از واقعیت و غیرواقعیت است.

### ویژگی‌های تصویر گروتسکی از نگاه میخائیل باختین

به باور باختین، یک تصویر گروتسکی دارای چهار ویژگی خاص است:

## اندام‌های گروتسکی

یکی از شاخصه‌های اندام گروتسکی آن است که هر یک از اندام‌ها به صورت غیرمعمول بزرگ شود و به عضوی مستقل و غالب بر دیگر اعضا بدل شود یا هر یک از اندام‌ها، فرم‌های حیوانی یا چیزهای بی‌جان به خود بگیرد (امامی و کامرانی ۱۳۹۸: ۲۶۲۷). از منظر باختین بدن گروتسک با منافذ و روزنه‌هایی که رو به سوی جهان دارد باز و گشوده است و هرگز کامل نمی‌شود.

## تم‌های دوگانه

تم‌های دوگانه گروتسک از منظر باختین محورهایی کاملاً مخالف یکدیگر هستند. مثال معروف او وجود تم‌های مرگ- تولد توأمان در یک اثر است. در تم‌های دوگانه باختین، مرگ در یک بدن و تولد در بدن دیگر نمودار نمی‌شود؛ بلکه این دو در یک تصویر با یکدیگر ادغام می‌شوند؛ چراکه در بدن گروتسک، مرگ چیزی را به پایان نمی‌رساند (طاهری ۱۳۸۹: ۵۱).

## تنزل

تنزل مفهومی مرتبط با گروتسک است که نه تنها جنبه‌ای ویرانگر دارد؛ بلکه جنبه بازسازی را نیز داراست. هرگاه چیزی از مرتبه والا و آسمانی به سطح مادی و به زیر کشیده شود، تنزل رخ داده است (طاهری ۱۳۸۹: ۵۳).

## کارناوال

از نظر باختین، کارناوال مفهومی است که با گروتسک پیوند خورده است و به معنای شرکت کردن همگانی مردم در فعالیت‌هایی است که در آن مواردی مانند جنسیت و موقعیت اجتماعی، سبب تفاوتی میان شرکت‌کنندگان آن نمی‌شود. در تصاویر کارناوالی، موجودات افسانه‌ای نیز می‌توانند حضور یابند (طاهری ۱۳۸۹: ۶۲).

## گروتسک در ایران و بازتاب آن در جهان هنری بهمن محمص

پیشینه حضور گروتسک در ایران به تمدن پنج‌هزارساله جیرفت باز می‌گردد. این پدیده در هنر ایران با ظروف سفالی، سنگ صابون و اشیای مفرغی که نقوش بدیع و عجیبی با ظرافت خاص بر روی آن‌ها حک شده، نشان داده شده است. تصاویر نقش‌شده بر روی این اشیاء، اشکال حیوانی، انسانی، گیاهی و همچنین نقش‌های ترکیبی است که در عین مضحک‌بودن، ترسناک، عجیب و اغراق‌آمیز هستند (حسینی و دیگران ۱۳۹۷: ۲۸). حضور گروتسک در آثار هنرمندان نام‌آشنایی در



هنر ایران قابل شناسایی است. یکی از این هنرمندان بهمن محمص است. او نقاش، پیکرساز و مترجم نوگرای ایرانی است که در تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۰۹ هجری خورشیدی در شهر رشت متولد شد. او مقدمات نقاشی را نزد محمدحسین محمدمدی آموخت. محمص یک سال پس از کودتای سال ۱۳۳۲، به ایتالیا رفت و مدت کوتاهی در آکادمی هنرهای زیبای رم آموزش دید. او بارها به ایران بازگشت و با ارائه آثارش، خود را به‌عنوان هنرمندی فعال، متفکر و جدی معرفی کرد. بهمن محمص در ۶ مرداد ۱۳۸۹ در اثر بیماری سرطان در شهر رم دار فانی را وداع گفت (پاکباز و دیگران ۱۳۹۹: ۶۴۰-۶۳۹).

در اکثر آثار محمص ویژگی‌های گروتسکی معرفی شده توسط باختین- خصوصاً اندام‌های گروتسکی- به‌خوبی قابل درک و بررسی است (تصاویر ۲ و ۳). در اندام گروتسکی باختین، دهان مهم‌ترین عضو چهره است و معمولاً به صورت دهان گشاده نمایش داده می‌شود که نمادی از مرگ است؛ از سوی دیگر، چشم‌ها یا سهمی در تصویر گروتسکی ندارند و یا به‌صورت برآمده نشان داده می‌شوند (طاهری ۱۳۸۹: ۱۵۷). همچنین شکم‌های برآمده و اندام جنسی مردانه نقش مهمی را در گروتسک ایفا می‌کنند. بدن‌های نقاشی شده توسط محمص اکثراً تغییر شکل داده‌اند. در آثار او تغییر شکل فیگورها به‌صورت‌های مختلفی مشهود است؛ نشانه‌هایی نظیر سر کوچک، بدون اعضای اصلی یا اعضای اغراق‌شده، گردن بیش‌ازحد دراز، شانه‌های بسیار برآمده که اتصالی به شدت باریک با بالاتنه دارند، کمرهای بیش‌از حد باریک، باسن و ران‌هایی بزرگ که به زانوهای بیش‌ازحد کوچک و ساق‌های بسیار باریک و شکم‌های برآمده و اندام‌های جنسی مردانه ختم می‌شوند (طاهری ۱۳۸۹: ۱۳۹). می‌توان دید که محمص در نمایش اندام، منطبق با نظریه باختین عمل کرده است.



تصویر ۲. تابلوی «مرد در ساحل» اثر بهمن محمص (URL)



تصویر ۳. تابلوی بدون عنوان اثر بهمن محمص (URL3)

صورت‌های آثار بهمن محمص، حالت گویا ندارند. به‌غیر از تعداد اندکی از آثار که در آنها مثلاً به چهره حالتی خوشحال داده شده است، چهره‌ها بی‌حالت هستند. چنین مسئله‌ای به این دلیل است که محمص از اعضای چهره، آن‌هایی را که در ایجاد حالت و گویایی به چهره دخالت دارند مخصوصاً چشم، زیاد به تصویر نمی‌کشد؛ به‌بیانی دقیق‌تر چشم‌ها یا نیستند و یا به دو صورت حضور دارند: به‌صورت یک نقطه که در مقایسه با ابعاد چهره و عناصر تعیین‌کننده اثر به چشم نمی‌آیند یا به‌صورت برآمده تصویر می‌شوند (تصویر ۴) (طاهری ۱۳۸۹: ۱۳۵).



تصویر ۴. نحوه برخورد محمص با چشم در آثار مختلف (URL4)

در اغلب آثار بهمن محمص، بدن‌ها سطح صاف و صیقلی ندارند و به صورت بافتی با پستی و بلندی، رو به زوال و پوسیده نشان داده شده‌اند؛ مقوله‌ای که در تفکر باختین به معنی تنزل است و این بدن‌ها در آن واحد دارای معنای تم‌های دوگانه هستند؛ بدن‌ها درحالی‌که زنده‌اند، رو به پوسیدگی و مرگ می‌روند (تصویر ۵).



تصویر ۵. تابلویی از بهمن محمص (URL4)

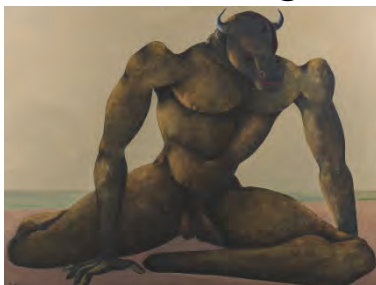
می‌توان گفت گروتسک برای محمص پیوندی میان ریشه‌های تاریخی هنر ایران و ایتالیاست که برای او شکل جدیدی از بیان بصری را با توجه به افکار وی به وجود آورده است.

### مینوتور: نماد عینی دیدگاه گروتسکی محمص

مینوتور<sup>۱</sup> یک موجود افسانه‌ای ترکیبی از بدن انسان و سر گاو نر است که تاریخ آن به اساطیر یونان باستان بازمی‌گردد. کلمه مینوتور ترکیبی از کلمات مینوس<sup>۲</sup> - اسطوره یونانی و اولین پادشاه جزیره کرت<sup>۳</sup> - و گاو نر<sup>۴</sup> است. مینوتور افسانه‌ای، موجود قدرتمندی بود که در هزارتویی زندگی می‌کرد که به فرمان شاه مینوس بنا شد. پسر این شاه توسط آتنی‌ها کشته شد و او برای گرفتن انتقام فرزندش، دستور داد هفت مرد جوان و هفت دوشیزه آتنی را هر نه سال به‌عنوان قربانی به مینوتور تقدیم کنند تا توسط او بلعیده شوند. سرانجام تسئوس<sup>۵</sup>، قهرمان آتنی، هنگامی که زمان فرستادن قربانی سوم رسید، داوطلب شد تا مینوتور را بکشد. او پس از کشتن مینوتور، آتنی‌هایی را که برای قربانی شدن به هزارتو فرستاده بودند، نجات داد و از آنجا خارج کرد (طاهری ۱۳۸۹: ۱۴۶). مینوتور که در دل خود دارای ویژگی‌های گروتسکی است، یکی از موضوعات مورد توجه بهمن محمص بوده است (تصاویر ۶ و ۷). مینوتورهای او دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی مانند دست و پای قطع شده از میچ، اندام نرینگی اغراق شده، عضلات بیرون زده و بدنی در حال فساد هستند و در اکثر موارد به صورت مستقیم به بیننده نگاه نمی‌کنند. مینوتورهای نقاشی شده

1. Minotaur
2. Minos
3. Crete
4. Tauros
5. Theseus

محصص اکثراً ساینز بزرگی دارند و به‌عبارتی تمام مواردی را که در یک تصویر گروتسکی در دیدگاه باختین مطرح هست، به‌خوبی می‌توان در مینوتورهای محصص دید.



تصویر ۶. مینوتور نشسته در ساحل اثر بهمن محصص (URL5)



تصویر ۷. مینوتور ایستاده اثر بهمن محصص (URL6)

### روی اندرسون و مؤلفه‌های گروتسکی در فیلم‌سازی

روی اندرسون، فیلم‌ساز و کارگردان معاصر سوئدی، در ۳۱ مارس ۱۹۴۳ میلادی متولد شد. اندرسون در دوره نخست فیلم‌سازی خود، در ژانرهای کمدی-درام و تبلیغات فعال بود. او پس از راه‌اندازی استودیوی شخصی خود، به نام بیست و چهار<sup>۱</sup> و ساخت فیلم *آوازهایی از طبقه دوم* در سال ۲۰۰۰ میلادی، وارد دوره دوم فیلم‌سازی‌اش شد و توانست جایزه ویژه هیئت داوران کن را برای این فیلم سینمایی به دست آورد (دلخواه ۱۳۹۸: ۳۸). فیلم‌های اندرسون غالباً انسان‌محور و معمولاً شخصیت‌های آن‌ها بی‌احساس و بی‌روح هستند. دغدغه اجتماعی و نقد بر زندگی مکانیزه صنعتی این کارگردان، در آثارش به‌خوبی دیده می‌شود. فیلم *آوازهایی از طبقه دوم*، داستان مردمان جامعه‌ای را روایت می‌کند که در فلاکت و بدبختی فرورفته‌اند و تلاش آن‌ها در تغییر دادن شرایط، گویی غیرممکن به نظر می‌رسد.

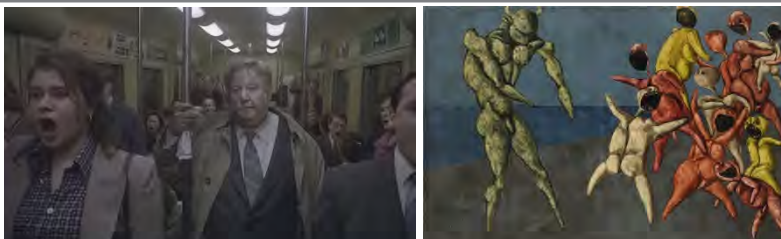
در پایان داستان، افرادی که سطح اجتماعی بالاتری دارند، از این جامعه فلاکت‌زده مهاجرت می‌کنند. روی اندرسون در یکی از مصاحبه‌های خود به این موضوع اشاره می‌کند که «در این فیلم سینمایی، انسان با وجود تلاش‌هایش، هرگز بر موانع غلبه نخواهد کرد و زندگی لاجرم با مرگ به پایان می‌رسد که پایان خوش و خرمی برای هیچ‌یک از انسان‌ها نخواهد بود» (لیندکوئیست ۱۳۹۹: ۴۷). می‌توان گفت او در این اثر به‌خوبی مفاهیم تنزل، تم‌های دوگانه و کارناوال مطرح‌شده توسط باختین را به تصویر کشیده است و برای نیل به هدف خود، از بدن‌های گروتسکی استفاده کرده است.

رنگ‌های سرد مانند آبی و خاکستری در فیلم‌های اندرسون بیشتر به کار رفته‌اند که این مقوله به تأکید هدف گروتسکی این کارگردان کمک شایانی کرده است. در فیلم سینمایی *آوازهایی از طبقه دوم* برخی از مردان دارای شکم‌های برآمده هستند که فربه‌بودن آن‌ها به علت متمول یا خوشبخت بودنشان نیست؛ بلکه گویی از مشکلات و غصه به این حال افتاده‌اند. لحظاتی از فیلم مخاطب را به خنده و می‌دارد؛ ولی در عین حال شوکه‌کننده نیز هست. شخصیت‌های مستأصل این فیلم اندرسون، گویی در تلاش برای جستجوی سیستمی جدید و رهایی از وضعیت وخیم هستند.

### گروتسک در منتخب آثار بهمن محمصص و پلان‌هایی از فیلم *آوازهایی از طبقه دوم* روی اندرسون با تکیه بر نظریه میخائیل باختین

با توجه به بررسی آثار محمصص و رویکرد سینمایی اندرسون، می‌توان دید که این دو هنرمند به‌خوبی از مؤلفه‌های گروتسکی باختین استفاده کرده‌اند و این مهم‌ترین وجه اشتراکی است که می‌تواند منجر به کنار هم قراردادن آن‌ها شود.

«مینوتور مردم را به‌خوبی می‌ترساند»، عنوان تابلویی از محمصص است که تاریخ خلق آن مربوط به سال ۱۳۴۴ شمسی است که می‌توان آن را در تطبیق با پلانی از فیلم *آوازهایی از طبقه دوم* (دقیقه ۱۵، ثانیه ۵۳) اندرسون قرار داد و از منظر گروتسک باختین بررسی کرد (تصویر ۸).



تصویر ۸. تابلوی «مینوتور مردم را به‌خوبی می‌ترساند» اثر بهمن محمص (URL7) و پلانی از فیلم *آوازهایی از طبقه دوم* اثر روی اندرسون، دقیقه ۱۵، ثانیه ۵۳.

شخصیت‌های تابلوی «مینوتور مردم را به‌خوبی می‌ترساند» محمص بدون درنظرگرفتن جنسیت و جایگاه خود، در برابر مینوتور ایستادگی می‌کنند. برای مخاطب، این مردم نماینده احساسات ترس و شجاعت و همچنین شادی و ناراحتی توأمان هستند. آنچه در مؤلفه‌های باختین با نام تم‌های دوگانه شناخته می‌شود، این است که دهان‌های مردم غالباً به صورت گشاده تصویر شده است و دارای اندام‌های برآمده و عریان هستند. بیشتر مردم به سمت مینوتور نگاه می‌کنند که گویا در معرض فساد و ازهم‌پاشیدن است و با مینوتور افسانه‌ای فاصله دارد؛ زیرا برخلاف حالت اسطوره‌ای، اندام آن خموده و شانه‌هایی به سمت پایین دارد. در این تابلو به‌عبارتی در مورد مینوتور مفهوم تنزل رخ داده است. زیرا او دیگر جنبه ترسناک و اسطوره‌ای خود را ندارد و مردم به ایستادگی در برابر آن می‌پردازند. دست و پای مردم و مینوتور از میچ قطع شده است و می‌توان جنسیت مردم را به کمک اندام‌های نرینگی و سینه‌های از فرم خارج شده تشخیص داد. چشم‌ها نسبت به اندام‌ها، بسیار ریز هستند و مؤلفه‌های اندام گروتسکی مدنظر باختین به‌خوبی در این تابلو به نمایش گذاشته شده است. در پلان مذکور از روی اندرسون، بازیگران بدون درنظرگرفتن جایگاه و جنسیت خود، ایستاده یا نشسته، در مترو هستند که با همخوانی آوازی، با یکی از شخصیت‌های اصلی داستان که به‌تازگی همه سرمایه خود را از دست داده است، همدلی می‌کنند. این همدلی در تقابل با جامعه سرد و بی‌تفاوت مدرن است که در طول فیلم نقد می‌شود. شخصیت اصلی داستان شکمی برآمده دارد و گویا این برآمدگی شکم به علت غم‌ها و مشکلات بسیار او است و ارتباطی با رژیم غذایی و ژنتیک او ندارد. وجود کارناوال در این دو تصویر به‌خوبی قابل مشاهده است؛ زیرا همه افراد در آن کار مشترکی را بدون درنظرگرفتن جنسیت، جایگاه و موقعیت خود انجام می‌دهند که جنبه‌ای مثبت دارد. این پدیده در تابلوی محمص نشان‌دهنده شجاعت و ایستادگی و در پلان فیلم سینمایی اندرسون نشان‌دهنده همدلی است. از سوی دیگر، مردم در تابلوی محمص و شخصیت اصلی

فیلم اندرسون که در مرکز تصویر ایستاده است، شکم‌های برآمده دارند که در اندام‌های گروتسکی باختین مورد توجه است. با توجه به اینکه در هر دوی این آثار، شاهد حضور جمعی افراد هستیم، می‌توان گفت که این هنرمندان به‌خوبی مفهوم کارناوال باختین را به تصویر کشیده‌اند.

در یکی دیگر از آثار محمصص، زنی با شکم برآمده و سینه‌های از فرم خارج‌شده به تصویر درآمده است که با پلان ساعت ۱، ثانیه ۳۵ از فیلم اندرسون قابل تطبیق است (تصویر ۹).



تصویر ۹. تابلویی از بهمن محمصص (URL8) و ساعت ۱، ثانیه ۳۵ از فیلم اندرسون.

چشم‌ها و سایر اعضای صورت در این اثر محمصص جایی ندارند. زن دارای گردنی بلند و شانیهایی به‌صورت اغراق‌آمیز فرورفته است. شخصیت موجود در این تابلو بدون دهان تصویر شده است. به نظر می‌رسد که زن آبستن است. اگرچه نمی‌توان فهمید که او کودکی در رحم دارد یا بزرگی شکم بهانه‌ای برای نمایش غم و اندوه فراوان است؛ اما می‌توان تم‌های دوگانه و اندام‌های گروتسکی مطرح‌شده توسط باختین را در این اثر مشاهده کرد. در پلان مد نظر، سه بازیگری که در مقابل دوربین قرار گرفته‌اند، دارای شکم‌های برآمده هستند. زن علاوه بر شکم برآمده، سینه‌های خارج‌شده از فرم معمول نیز دارد که می‌تواند نشانه‌ای از زایمان‌های قبلی او باشد. شخصیت‌ها در این پلان در سکوتی تأمل‌برانگیز به سر می‌برند و به نظر می‌رسد که چیزهایی که از دست داده‌اند، فکر می‌کنند. به این ترتیب، این پلان علاوه بر داشتن تم‌های دوگانه، با وجود شکم‌های برآمده و سینه‌های تغییرشکل‌داده، اندام‌های گروتسکی باختین را به‌خوبی رعایت کرده است.

«فی فی از خوشحالی زوزه می‌کشد» نام یکی از معروف‌ترین آثار محمص است (تصویر ۱۰، سمت راست). این تابلو که در عنوانش نیز تم‌های دوگانه گروتسکی به‌خوبی قابل مشاهده است، تا لحظه مرگ، در کنار محمص بود. او در این تابلو، مطابق با مولفه‌اندام‌های گروتسکی باختین، بدنی را ترسیم کرده است که صورتی با دهان گشاده دارد. این گشادگی تا اندازه‌ای اغراق‌آمیز است که بیشتر صورت را دربرگرفته و سایر اعضای صورت به تصویر درنیامده‌اند. این بدن، دارای سینه‌هایی بزرگ و تغییرشکل‌داده است که تقریباً هم‌اندازه یا حتی بزرگ‌تر از سر او هستند. هنگامی که مخاطب به این تابلو می‌نگرد، احساس طنز را توأم با ترس تجربه می‌کند؛ آن چیزی که در نظریه باختین تحت عنوان تم‌های دوگانه بررسی شد. در پلان ساعت ۱، دقیقه ۸، ثانیه ۵۸ فیلم *آوازهایی از طبقه دوم*، افراد حاضر در یک جلسه، همگی با دیدن صحنه‌ای، شروع به فرار می‌کنند. وجود زنی که در اثر ترس، فریادکشان در حال دویدن است و زنی که در کمال آرامش در جای خود نشسته است، احساس خنده و ترس را در کنار هم به مخاطب القا می‌کند. در برشی از این پلان، زنی که از ترس در حال فریاد کشیدن است، دهانی کاملاً گشاده دارد. وجود دهان‌های گشاده و تم‌های دوگانه خنده‌دار و ترسناک در یک قاب، از ویژگی‌های مهم گروتسکی این تصاویر است که به‌خوبی مشاهده می‌شوند (تصویر ۱۰، سمت چپ).



تصویر ۱۰. «فی فی از خوشحالی زوزه می‌کشد» از بهمن محمص (URL9) و ساعت ۱، دقیقه ۸، ثانیه ۵۸ فیلم *آوازهایی از طبقه دوم*.

«مینوتور محتضر» نام اثر دیگری از محمص است که در آن مینوتور حالت اسطوره‌ای و قدرتمند خود را از دست داده است و گویی انتظار مرگ را می‌کشد. وجود اندام نرینگی نیز وجه تمایز دیگر آن با مینوتور افسانه‌ای است. همچنین دست و پای وی در این اثر محمص از میچ قطع شده و گویا اعضای آن تحلیل



رفته است. با این حال به نظر می‌رسد که مینوتور در حال تلاش برای زندگی است. هنرمند در این اثر تم‌های دوگانه، تنزل و اندام گروتسکی باختین را به نمایش گذاشته است. در پلانی از فیلم، اندرسون جشن تولد صدسالگی فرمانده بازنشسته‌ای را نشان می‌دهد (دقیقه ۴۳، ثانیه ۵۵) که یکی از بزرگ‌ترین ملاکان و ثروتمندان کشور است؛ اما برخلاف قدرت و ثروت بسیارش، قادر به انجام کارهای خود نیست. حتی برای انجام شخصی‌ترین کارهایش به کمک پرستاران آسایشگاهی نیاز دارد که در آن زندگی می‌کند و احساس ترحم مخاطب را برمی‌انگیزد (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۱. «مینوتور محضر» (طاهری ۱۳۸۹: ۲۰۴) و پلان دقیقه ۴۳، ثانیه ۵۵ فیلم *آوازهایی از طبقه دوم*.

با توجه به حضور اشخاص مختلف در این پلان، مفهوم کارناوال به خوبی قابل درک است. فرمانده نیز در حال جنگ با مرگ است و می‌توان تم‌های دوگانه باختین را در این پلان مشاهده کرد. وجه مشترک محمص و اندرسون در اینجا، استفاده از مفهوم تنزل است؛ زیرا هم مینوتور و هم فرمانده بازنشسته، قدرت و نیروی بسیار خود را از دست داده‌اند و در حال مرگ و در شرف نابودی هستند.

### نتیجه

در این پژوهش، ویژگی‌های گروتسکی شامل اندام‌های گروتسکی، تم‌های دوگانه، کارناوال و مفهوم تنزل، با تکیه بر نظریه میخائیل باختین در تابلوهای منتخب بهمن محمص و پلان‌هایی از فیلم *سینمایی آوازهایی از طبقه دوم* روی اندرسون، شناسایی و اشتراکات آن‌ها مشخص شد. اگرچه این دو هنرمند در کشورهای متفاوتی زندگی کرده‌اند و از رسانه‌های متفاوتی برای عرضه هنر خود بهره گرفته‌اند؛ اما اشتراکی میان دیدگاه گروتسکی آن‌ها و دغدغه‌هایشان وجود دارد. از اشتراکات گروتسکی باختینی آن‌ها می‌توان به کارناوال با حضور اجتماعی افراد، اندام‌های گروتسکی مانند شکم‌های برآمده، سینه‌ها و اندام‌های خارج از فرم معمول و دهان‌های گشاده، تم‌های دوگانه خنده‌دار و ترسناک و وجود مفهوم تنزل برای شخصیت‌های ذاتاً قدرتمند که نیروی خود را از دست داده‌اند، اشاره کرد. محمص

و اندرسون با بیانی متفاوت در نقاشی و سینما، به مطرح کردن ایده‌های خود پرداختند. آن‌ها با رهاشدن از الگوهای گذشته و با فاصله‌گرفتن از نمایش بدن‌های سالم و معمولی، بینش جدیدی را ارائه کردند که این شیوه می‌تواند در تأثیرگذاری بیشتر آثار و اهداف آن‌ها بر مخاطبان مؤثر واقع شود. این دو هنرمند، از میان مؤلفه‌های گروتسکی باختین، در به‌کارگیری اندام‌های گروتسکی و تم‌های دوگانه، دارای بیشترین شباهت هستند؛ زیرا با مطرح کردن موضوعاتی هولناک و ترسناک و در عین حال کمدی و خنده‌دار و از سوی دیگر با نمایش بدن‌هایی با شکم‌های برآمده و اندام‌های دفرمه، توانستند دغدغه‌های فکری و اجتماعی خود را مطرح کنند.

این مقاله از حمایت مالی هیچ نهاد یا مرکز آموزشی و یا طرح پژوهشی مصوب استفاده نکرده است.

## منابع

- آدامز، جیمز لوتر؛ یتس، ویلسون (۱۳۹۵). *گروتسک در هنر و ادبیات*. ترجمه آتوسا راستی. چاپ سوم. تهران: قطره.
- امامی، مونا؛ کامرانی، بهنام (۱۳۹۸). «بررسی ویژگی‌های بدن گروتسک در چهار نقاش معاصر ایران». *کیمیای هنر*. دوره هشتم، شماره ۳۳، صص. ۲۱-۳۹.
- امامی، مونا، کامرانی، بهنام؛ نصری، امیر (۱۳۹۹). «تحلیل آثار وحید چمانی بر مبنای مفهوم بدن گروتسک در اندیشه میخائیل باختین». *جلوه هنر*. دوره دوازدهم، شماره ۲، صص. ۴۷-۵۸.
- بخشی مقدم، مهدی (۱۳۹۳). «کمدی سیاه در سینما با تکیه بر فیلم‌های روی اندرسون». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده هنرهای نمایشی، پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران.
- پاکباز، رویین و دیگران (۱۳۹۹). *دایرةالمعارف هنر (تک جلدی)*. چاپ سوم. تهران: فرهنگ معاصر.
- پیروی، منصوره (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی آثار محمد سیاه‌قلم و بهمن محمص». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر.
- تامسن، فلیپ (۱۳۹۸). *گروتسک*. ترجمه فرزانه طاهری. چاپ دوم. تهران: مرکز.
- حسینی، فرشته‌سادات؛ شریفی‌ولدانی، غلامحسین؛ طغیان‌ی اسفرنجان‌ی، اسحاق (۱۳۹۷). «بررسی گروتسک، سیر و پیشینه آن در ایران». *تاریخ ادبیات*. دوره یازدهم، شماره ۲، صص. ۲۷-۵۳.
- دلخواه، افسون (۱۳۹۸). «واکوی عناصر فرمی و محتوایی گروتسک در سینمای روی اندرسون». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. پردیس بین‌المللی فارابی دانشگاه هنر.
- زارعان، حایه‌سادات (۱۴۰۱). «تحلیل مؤلفه‌های گروتسک در رمان‌های آخرش می‌آن سراغم، تصویر دختری در آخرین لحظه و خفاش شب سیامک گلشیری». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- سلیمانی، سحر (۱۳۹۶). «روی اندرسون و سینمای از خودبیگانگی: با نگاه بر سه گانه زندگی ۱. شما زندگان ۲. آوازهایی از طبقه دوم ۳. کبوتری نشسته بر شاخه درخت در اندیشه هستی». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی، پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران.
- شیداکراتی، بهروز (۱۴۰۱). «بررسی وجوه گروتسک در نمایشنامه‌های غلامحسین ساعدی». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده سینما و تئاتر، دانشگاه هنر تهران.
- طاهری، پگاه (۱۳۸۹). «گروتسک در آثار بهمن محمص از دیدگاه میخائیل باختین». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا (س).
- لیندکوئیست، اورسلا (۱۳۹۹). *آوازهایی از طبقه دوم روی اندرسون: تأملی بر هستی انسانی*. ترجمه آرش حسن‌پور و شادمان رفیعی. تهران: روزنه.
- نامجو، عباس؛ مظفرنژاد، افسانه (۱۴۰۰). «رویکرد گروتسکی (عجایب‌نگارانه) در آثار نقاشان معاصر



## A Comparative Study of Characteristics of the Grotesque in the Selected Works of Bahman Mohasses and Roy Anderson's *Songs from the Second Floor* based on Mikhail Bakhtin's Theory

Reyhaneh Aghabarati<sup>1</sup>, Seyed Parham Mohajerzadeh<sup>2</sup>, Yasaman Farhangpour<sup>3</sup>

### Abstract

Grotesque is a type of visual expression that allows the artist to express his or her desired concepts in a different way in art by creating a strange, unusual and unrealistic visual identity. The definition of specific characteristics for the grotesque in art is one of the topics of interest to theorists and has been examined from different perspectives. The current research aims to comparatively analyze selected paintings from Bahman Mohasses (1931-2010) and shots from the movie *Songs from the Second Floor* by Roy Anderson (2000) through the lens of Mikhail Bakhtin's grotesque theory (1895-1975). It adopts an interdisciplinary approach to seek their commonalities according to the characteristics considered by this Russian philosopher. The method used in this research is descriptive-analytical. Despite the paucity of research on the grotesque in visual arts, the results indicate that given their different cultural roots, both artists have made good use of the characteristics introduced by Bakhtin and that they share commonalities in this respect.

**Keywords:** Grotesque, Mikhail Bakhtin, Bahman Mohasses, Roy Anderson, Songs from the Second Floor

1. Graduated M.A. Student of Art Research, Department of Art Research, Pars Institute of Higher Education of Architecture and Art, Tehran, Iran (corresponding author)

reyhaneh.ghabarati1998@gmail.com

2. Graduated M.A. Student of Art Research, Department of Art Research, Pars Institute of Higher Education of Architecture and Art, Tehran, Iran

parham2000mohajerzadeh@gmail.com

3. Ph. D in Art History, Department of Art History, University of Florence, Florence, Italy

yasaman.farhangpour@gmail.com

#### How to cite this article:

Reyhaneh Aghabarati; Parham Mohajerzadeh; Yasaman Farhangpour. "A Comparative Study of Characteristics of the Grotesque in the Selected Works of Bahman Mohasses and Roy Anderson's Songs from the Second Floor based on Mikhail Bakhtin's Theory." *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts and Humanities*, 3: 1, 2023, 239-260. doi: 10.22077/islah.2023.6154.1237



Copyright: © 2023 by the authors. Licensee Journal of *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts & Humanities*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

